

Comparing the Role and Strategies of Intellectuals before and after the Islamic Revolution in the Political Development of Iran

Ali Ahmadi, PhD student in Political Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran. Email: a.ahmadi.1905@gmail.com

Mojtaba Sedaghati Fard, Assistant Professor; Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran (Corresponding Author)

Yaaghoub Sharbatian, Assistant Professor; Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Azad Islamic University, Garmsar, Iran Email: sharbatian@yahoo.com

Abstract

The main purpose of this research is to compare the role and strategies of intellectuals before and after the Islamic Revolution in the political development of Iran, and in this regard, the role of intellectuals of four different generations, the first, second, third, and fourth, has been investigated. The research method is qualitative and with a content analysis approach, using library tools and articles in which intellectuals of the first to fourth generation of contemporary Iran have discussed and researched, and the researcher used the inductive approach and triple coding to extract and analysis of related and required content. findings and results of the research show that intellectuals have different roles and strategies during the contemporary era, including secularism in the eyes of the intellectuals of the constitutional era, industrialization in the eyes of the intellectuals of the first Pahlavi era, progress in science and technology in the eyes of the second Pahlavi intellectuals, and Dependence on Western countries among the intellectuals after the Islamic Revolution.

Key words

Intellectualism, Intellectuals, Political Development, Contemporary Iran.

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران

علی احمدی^۱، مجتبی صدراقتی فرد^۲، یعقوب شربتیان^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران است و در همین راستا، نقش روشنفکران چهار نسل متفاوت اول، دوم و سوم و چهارم مورد بررسی قرار گرفته است. روش این پژوهش، کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و مقالات انجام شده که روشنفکران نسل اول تا چهارم ایران معاصر در آن به بحث و تحقیق پرداخته‌اند و محقق، با استفاده از رویکرد استقرایی و کدگذاری سه‌گانه به استخراج و تحلیل مطالب مرتبط و موردنیاز پرداخته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که روشنفکران در طول دوران معاصر نقش‌ها و راهبردهای متفاوتی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به سکولاریسم در نزد روشنفکران عصر مشروطیت، صنعتی شدن در نزد روشنفکران عصر پهلوی اول، پیشرفت در علم و فناوری نزد روشنفکران پهلوی دوم و رفع وابستگی به کشورهای غربی در بین روشنفکران بعد از انقلاب اسلامی اشاره کرد.

واژگان کلیدی

روشنفکری، روشنفکران، توسعه سیاسی، ایران معاصر.

مقدمه

روشنفکری^۱، حرکتی است در شکاف سنت و مدرنیته و از ایجاد شکاف و تزلزل میان این دو جهان است که اساساً زاده شده است. ویژگی‌های روشنفکری نظیر نوگرایی، قدرت خلاقه، انتقادی اندیشی، انتقادپذیری و جرئت اندیشیدن، چهره‌های فرهنگی و اجتماعی را ترسیم می‌کند که به‌طور طبیعی، متعهد، دارای دغدغه و در جستجوی نقش و کارکرد روشنگرانه است، بر هر نقشی از روشنفکری تأکید کنیم و یا از هر منظری به کارکرد روشنفکری توجه نماییم، روشنفکر با «سنت» مواجهه پیدا می‌کند، در تعامل یا تقابل با آن و در مسیر بازاندیشی آن قرار می‌گیرد. تلقی مشهور از روشنفکر، نیرویی در جامعه‌شناسی سیاسی است که از روشنفکری به معنای اعم کلمه متمایز است (آبراهامیان، ۱۳۹۴).

روشنفکری، ریشه در فلسفه جدید و عالم مدرن دارد، عالمی که به تعبیر گیدنز در آن بازاندیشی افزایش پیدا می‌کند، همچنین به حوزه تمدنی خاصی (غرب) و به دوره خاصی از تاریخ آن یعنی عصر روشنگری تعلق دارد. این پدیده عصر روشنگری در جهان بازاندیشی‌های فزون، با ویژگی‌هایی چون آگاهی، شناخت، زمان‌شناسی، دردشناسی اجتماعی، درگیری با اهداف دنیوی، علم‌گرایی، تجربه‌گرایی، سکولاریسم^۲، خودآگاهی طبقاتی، ملی و انسانی و کشمکش با صاحبان قدرت برجسته شده است، اما به نظر می‌رسد، معرفی روشنفکری با ویژگی «انتقادی اندیشی آن» که ثمره خرد انتقادی، خودآگاهی، دگراندیشی، مسئولیت نسبت به حقیقت و بینش خلاق خود، هوشیاری، آزاداندیشی، شناخت زمانه و پویایی است، کارا تر باشد (آدمیت، ۱۳۴۰). روشنفکر به‌عنوان فردی متفکر که خلاق و نقاد است، باید حول محورهای زیر حرکت کند:

(الف) ارزش‌های غایی و نهایی (حقیقت، عدالت و...) را خلق کند؛

(ب) توزیع‌کننده علم و مبلغ عقاید یا بنیان‌گذار ایدئولوژی جدید و نقاد وضع موجود باشد؛

(ج) در توسعه و پیشبرد فرهنگ و تمدن جامعه مؤثر باشد (میرلطفی و جهان‌تبخ، ۱۴۰۱).
توماس سوئل (۱۴۰۱)، افرادی را که به نحوی در جامعه امروزی تأثیرگذارند را روشنفکر می‌داند. او روشنفکری را یک شغل و محصول خروجی آن را ایده‌ها می‌داند (توماس سوئل، ۱۴۰۱). او در مورد ماهیت و نقش روشنفکران به عنوان گروه‌های مرجع جامعه تحلیل‌های سیستماتیک ارائه می‌دهد.

1. Intellectual
2. Secularism

اساساً تعهد اخلاقی روشنفکر پرسش انتقادی اوست که از خود و از جامعه‌اش می‌کند. وظیفه روشنفکر به‌پیش بردن گفتگوی انتقادی از طریق زیر سؤال بردن دائم اصول مورد توافق فعلی و به جریان انداختن گفتگو در جهت‌های جدید است. این انتقادی اندیشی صرفاً متوجه گذشته و نقد و رد حکم‌ها و قانون‌ها و باورهای پیشین نیست، بلکه متوجه بقایای اندیشه‌های کهنه در زندگی جاری هم هست. این‌ها، همه ثمره انتقادی اندیشی روشنفکری است که فقدان آن تداعی گر «مرگ روشنفکری» است و شاید کسی بگوید که نپذیرفتن بدون استدلال آن هم تداعی گر «دیالوگ کرها» است (آدمیت، ۱۳۸۳).

تعامل و تقابل روشنفکران و نخبگان سیاسی نقش مؤثری در توسعه سیاسی جامعه دارد. تعامل و همسویی میان روشنفکران و نخبگان سیاسی و رشد نقادانه گفتمان روشنفکری و بهره‌گیری نخبگان سیاسی از ایده‌های روشنفکران یکی از مشخصه‌های دموکراسی‌ها و جوامع توسعه‌یافته از لحاظ سیاسی است (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۹).

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران، موضوعی است که به بررسی تأثیر تغییرات سیاسی بر روی نقش و عملکرد روشنفکران در جامعه می‌پردازد. این تحقیق به ماکمک می‌کند تا درک بهتری از نحوه تأثیر یک تحول سیاسی بزرگ بر روی گروه‌های فکری و اندیشمندان در جامعه پیدا کنیم. روشنفکران قبل از انقلاب اسلامی، بخشی از جامعه ایران را تشکیل می‌دادند و دارای ارتباطات و تأثیر قابل توجهی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بودند. آن‌ها در ترویج ارزش‌هایی مانند دموکراسی، مدرنیته، حقوق بشر و توسعه سیاسی نقش مهمی داشتند. روشنفکران در قالب اندیشه‌های فلسفی، ادبی، سیاسی و اجتماعی خود، ایده‌ها و نظرات خود را به شکل مقالات، کتب و سخنرانی‌ها منتشر می‌کردند و سعی می‌کردند تأثیر مثبتی بر روی جامعه و سیاست ایران داشته باشند.

با انقلاب اسلامی و تغییرات سیاسی بزرگی که در ایران رخ داد، نقش و راهبردهای روشنفکران نیز تحت تأثیر قرار گرفت. این تحولات شامل تغییر ایدئولوژی و ارزش‌های روشنفکران، نقششان در فرایند انقلاب و تحولات سیاسی و تأثیر آن‌ها در توسعه سیاسی ایران می‌شود. روشنفکران پس از انقلاب بیشتر بر اصول دینی، ارزش‌های اسلامی و اصول انقلاب تأکید کردند و در ترویج این ارزش‌ها و ایدئولوژی اسلامی نقش فعالی داشتند.

در این مقاله، قصد و تلاش محقق بر این است که با پاسخ به این سؤال اساسی که: مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران در توسعه سیاسی ایران چگونه است؟ و دیگر سؤالات زیر:

- راهبردهای روشنفکران دوره مشروطه در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی اول در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران دوره پهلوی دوم در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟
- راهبردهای روشنفکران پس از انقلاب در جهت توسعه سیاسی چه مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌هایی را در برداشته است؟

نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی را مورد بررسی و مقایسه قرار داده و با تجزیه و تحلیل آن‌ها در دو دوره زمانی مختلف یعنی قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷، درک بهتر و تازه‌ای از نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۵۷ در توسعه سیاسی ایران و همچنین تأثیر متقابل تغییرات سیاسی بر روی نگرش‌ها و راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی ایران ارائه دهد.

بنابراین، این پژوهش با مقایسه چگونگی نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در توسعه سیاسی ایران، می‌تواند یافته‌ها و نتایج مهمی درباره تأثیر روشنفکران بر تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی و همچنین تأثیر تغییرات سیاسی بر روشنفکران کشور فراهم کند.

مبانی و چارچوب مفهومی تحقیق

در ابتدای مبانی و چارچوب مفهومی تحقیق لازم است که از مفاهیم توسعه سیاسی و زمینه‌ها و شاخص‌های آن و روشنفکر تعاریفی ارائه شود تا هرگونه ابهامی از این دو مفهوم رفع گردد و مقصود محقق از به‌کارگیری این مفاهیم مشخص گردد و سپس به پیشینه و چارچوب مفهومی تحقیق پرداخته می‌شود.

ساموئل هانتینگتون، مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است که از آنجا که در فرآیند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی‌ثباتی، هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب تجلی کند (قوم، ۱۳۹۳: ۱۶ به نقل از هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶).

زمینه‌ها و شاخص‌های توسعه سیاسی را می‌توان در دوازده اصل خلاصه کرد:

۱. فردگرایی مثبت باید تشویق گردد، ۲. تفکر از زمینه‌های استقرایی قوی برخوردار باشد، ۳. تفکر متاع عمومی و تخصص، متاع خاص باشد، ۴. آموزش مهم‌ترین رکن برنامه‌ریزی جامعه باشد، ۵. عموم مردم، منطق و شیوه‌های کار جمعی را بیاموزند، ۶. هویت عمومی جامعه فوق‌العاده قوی و مستحکم باشد، ۷. علاقه به جامعه و به دنبال آن قانون‌پذیری در میان مردم، بنیادی باشد، ۸. منافع هیئت حاکمه با مصالح و منافع عمومی مردم، هم سو باشد، ۹. دولت، تنها منبع فرهنگ اجتماعی نباشد و نهادهای غیردولتی در نظام اجتماعی مؤثر و فعال باشند، ۱۰. آرامش اقتصادی، وجود داشته باشد، ۱۱. تصمیم‌گیری، مبتنی بر اصلاح‌نگری و اصلاح‌پذیری باشد و ۱۲. انتخاب افراد، بر پایه رقابت، توانایی و لیاقت صورت گیرد (سریع‌القلم، ۱۳۹۰: ۹۰).

فرآیند توسعه و نوسازی سیاسی باعث دگرگونی جامعه سنتی می‌شود که شکاف‌های افقی و متفاوت از جامعه با شکاف‌های عمودی مانند حزب است. در جامعه سنتی معمولاً گروه‌های سنتی ایفای نقش می‌کنند، این گروه‌ها می‌توانند قومی، قبیله‌ای و نژادی باشند؛ اما در اثر فرآیند توسعه سیاسی در اثر دگرگونی سیاسی و تبدیل جامعه سنتی به جامعه مدرن، گروه‌های سنتی برای تداوم حیات سیاسی خود ناچار باید الزامات جامعه مدرن را بپذیرند یا اینکه از بین بروند.

روشنفکر، فردی است که می‌خواهد چشم‌انداز و دریچه‌ای جدید و نقش و راهبردها را بر روی انسان بگشاید. به عبارت دیگر، یک متفکر یا اندیشمند، کسی است که در اندیشه انتقادی، اندیشه، پژوهش و اندیشه بشری^۱ در خصوص واقعیات جامعه درگیر است و هدفش ارائه راه‌کارهایی برای رفع و حل مشکلات هنجاری جامعه توسط گفتمان در حوزه عمومی و کسب اقتدار از افکار عمومی می‌باشد (عنایت، ۱۳۸۱).

روشنفکران حاملان سطوح و اشکال عقلانیت‌اند؛ بنابراین آن‌ها، همیشه به هسته مستقل ایده‌هایی که از طریق تأمل عقلی توسعه می‌یابند، نزدیک‌ترند. در کنار تولید ایده‌ها و مفاهیم نسبتاً انتزاعی، بازتفسیر ایده‌ها را نیز بازی می‌کنند. آن‌ها ایدئولوژی‌ها را نه تنها برای خودشان بلکه برای دیگر قشرها و طبقات نیز می‌سازند (صدری، ۱۳۸۶: ۹۹-۹۸). گروهی از اندیشمندان روشنفکر را همچون وجدان یک جامعه در نظر می‌گیرند وجدانی که بی‌عدالتی‌های فرد و جامعه را به باد انتقاد می‌گیرد و مورد سرزنش قرار می‌دهد. سقراط و افلاطون از آن نوع اندیشمندانی هستند که می‌گویند: روشنفکران وجدان خرده‌گیر هر جامعه‌ای هستند. آن‌ها روشنفکر را به صورت فردی مجسم می‌کنند که با سرشت چیزها، نه از راه عقاید خویش، بلکه به صورتی بی‌واسطه‌تر، در تماس هستند (بروجردی، ۱۳۷۷: ۴۰-۲۹).

دسته‌ای دیگر از اندیشمندان ویژگی «انتقاد کردن» را برای یک روشنفکر برجسته کرده‌اند و برای موفقیت در این امر، عدم وابستگی به جنبه‌های اداری و عملی زندگی سیاسی را متذکر می‌شوند. ریمون آرون اهمیت ویژه‌ای به عدم وابستگی روشنفکر به دستگاه سیاسی می‌دهد او در کتاب «افیون روشنفکران» می‌نویسد: روشنفکران فرانسه در مقایسه با روشنفکران بریتانیا، آلمان و آمریکا معمولاً دارای اعتبار اجتماعی بالاتر هستند چراکه با جنبه‌های اداری و عملی زندگی سیاسی کمتر سروکار دارند و به شکل افراطی‌تری از جامعه خویش انتقاد می‌کنند (باتامور، ۱۳۷۷).

توماس سوئل، اهمیت کار روشنفکران را در این می‌داند که ایده‌ها و نتایج کار آنان بر روی زندگی نهایی همه انسان‌ها تأثیرگذار است. او معتقد است روشنفکران مدرن از طریق شکل دادن به عقاید و افکار عمومی، بر صاحبان قدرت نیز تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه توماس سوئل روشنفکران در طول تاریخ نقش پررنگی در انتظارات جامعه بشری ایفا کرده‌اند. در بسیاری از موارد تصمیم‌هایی که در نقاط عطف تاریخی گرفته شده، تحت تأثیر نظرات و باورهای روشنفکران بوده است (سوئل، توماس، ۱۴۰۱).

ماکس وبر روشنفکران را گروهی از افراد جامعه می‌داند که به علت ویژگی‌های خاصشان، دسترسی ویژه‌ای به دستاوردهای معینی دارند که ارزش‌های فرهنگی تلقی می‌شود و بنابراین رهبری یک جامعه فرهنگی را به دست می‌آورند (بروجردی، ۱۳۷۷، ۴۰)؛ یعنی وبر ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را چنان با اهمیت تلقی می‌کند که تنها عده‌ای از افراد جامعه را لایق آن می‌داند که به آن‌ها دسترسی پیداکنند و یا در آن دخل و تصرف نمایند و با استفاده از آن می‌توانند در جامعه و دیگر پدیده‌های مادی و غیرمادی تأثیر بگذارند.

ماکس وبر در اثر خود تحت عنوان «سیاست به مثابه یک حرفه» اظهار می‌دارد که از منظر جامعه‌شناختی، روشنفکران می‌توانند برنامه‌ها و دستورالعمل‌های سیاسی را تدوین و از آن‌ها بالیمن و اعتقاد حساب شده دفاع نمایند (Weber, 1958: 84-85)؛ بنابراین بررسی نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در توسعه سیاسی ایران مطابق با جامعه‌شناسی روشنفکران ویر موضوعی بسیار مهم و راهگشا در انجام این پژوهش می‌باشد. کار و فعالیت روشنفکری به معنای مدرن آن در ایران از عصر انقلاب مشروطیت آغاز شد و «از اوایل انقلاب مشروطه (۱۹۰۶ م) اصطلاح روشنفکر در ایران مطرح شد» (رضوی، ۱۳۷۹: ۵-۳). در سال‌های اوایل دهه ۱۳۲۰ ه. ش برابر ۱۹۴۰ م فرهنگستان ایران، اصطلاح فارسی روشنفکر را به جای مفهوم منورالفکر که صبغه‌ای عربی داشت وضع کرد (بروجردی، ۱۳۳۷: ۴۳)؛ بنابراین از نظر تاریخی پایه‌گذاری و تکوین عناصر

فکری روشنفکری در ایران (در مقایسه با کشورهای مدرن و حتی کشورهای عربی) ضعیف است (رضوی، ۱۳۷۹: ۵-۳).

روشنفکران اولیه ایران نخستین نمایندگان اندیشه‌های نوین به‌ویژه لیبرالیسم، سکولاریسم و تجدد بودند. آن‌ها از عوامل عمده تکوین ساخت دولت جدیدی بودند که پس از انقلاب مشروطه برقرار شد (بشیریه، ۱۳۷۷: ۲۵۷). نمونه‌هایی از روشنفکران اولیه و پیشروان جنبش روشنفکری ایران عبارت‌اند از: میرزا ملکم خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسین سپهسالار، میرزا صالح شیرازی، میرزا یوسف مستشارالدوله، شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی (بشیریه، ۱۳۷۷: ۲۵۷).

با بر تخت نشستن رضاشاه دوره اول روشنفکری به پایان رسید و نسل دوم روشنفکری به وجود آمد. این نسل روشنفکری با الگوگیری از غرب سعی داشت که مفاهیم جدید غربی را در ایران پیاده سازد. سیاست همگن‌سازی فرهنگی و اجتماعی در آن دوره محبوبیت فراوانی یافته بود زیرا در غرب نیز چنین ایده‌هایی طرفداران بسیاری داشته است. ایجاد نهادهای جدید مانند مدرسه و دانشگاه از کارهای این گروه از روشنفکران بوده است. این نسل بیش از آنکه همانند نسل قبلی در جهت مدرنیته و غربی شدن تلاش کند، بر ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران تکیه می‌کرد. از آنجایی که تفکر آن دوران بر مبنای کشور تک فرهنگی استوار بوده است. لذا سرکوبی سایر فرهنگ‌های کشور به اوج خود رسید. ایده‌هایی نظیر تمدن بزرگ و تاریخ هزاران ساله و غیره محصول این نسل از روشنفکران بوده است. دو تن از روشنفکران بارز این دوره محمدعلی ذکاءالملک فروغی و سیدحسین تقی زاده بودند.

از اواخر دوران پهلوی یکم، روشنفکری چپ در ایران بنیاد گذاشته شد و شاید تقی ارانی و اسکندر میرزا را بتوان از مؤسسان این جریان دانست. با ایجاد دانشگاه‌ها و مدارس و اعزام بیشتر دانشجویان ایرانی به اروپا در دوره پهلوی یکم، ایرانیان با سرعت بیشتری با اندیشه‌های غربی آشنا شدند. بدین ترتیب زمینه ایجاد نسل سوم روشنفکری به وجود آمد؛ که خود را در دوران پهلوی دوم نمایان کرد. پس از سرنگونی رضاشاه و ترور احمد کسروی، روحانیت و نگاه دینی بر نگاه سکولار و روشنفکری چیرگی یافت؛ و با جریان ملی شدن نفت و سپس سرکوب آزادی‌ها در بسته شدن فضای سیاسی، روشنفکری سکولار ایرانی به شدت محدود شد. از آنان می‌توان به حمید عنایت، پرویز ناتل خانلری و سید فخرالدین شادمان اشاره کرد. اکثریت روشنفکران این نسل برخلاف نسل پیش غرب را نه تنها مقدس نمی‌شمرد بلکه آن را شیطانی و

منحوس می‌دانست. دو نگرش متفاوت در این نسل نمود داشته است: اسلام‌گرایان و سوسیالیست‌ها. ویژگی مشترک این روشنفکران را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد: دسته اول) این روشنفکران جامعه و افراد جامعه را نقد می‌کردند و در مورد رفتارهای درست و یا نادرست قضاوت می‌کردند و همچنین اندیشه‌های این روشنفکران تمامیت خواهانه بود و تحت تأثیر توتالیتاریسم خواهان برپایی نظامی بودند که تنها دیدگاه خودشان در آن حاکم باشد. دسته دوم) این نسل از روشنفکران از نوگرایی بومی و بازگشت به خویش دفاع می‌کردند و از غرب و نظام آن متنفر بودند (بروجردی، ۱۳۷۷).

این روشنفکران جامعه و افراد جامعه را نقد می‌کردند و نیز در مورد رفتارهای درست یا نادرست قضاوت می‌کردند و نیز تحت تأثیر توتالیتاریسم خواهان برپایی نظامی بودند که تنها دیدگاه خودشان در آن حاکم باشد.

این نسل از نوگرایی بومی دفاع می‌کردند و از غرب و نظام آن متنفر بودند (بروجردی، ۱۳۷۷). نمونه بارز روشنفکران این دوره به‌ویژه دهه چهل و اوایل پنجاه شمسی، مهدی بازرگان و علی شریعتی بودند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با تغییرات اساسی در گروه‌های چپ ایران و نوسازی دیدگاه‌های سوسیالیستی بر اساس شرایط جدید بین‌المللی و نیز با به پایان رسیدن شور و شوق اولیه انقلابی در ایران نسل جدید روشنفکری در ایران در حال پاگرفتن است. این نسل روشنفکری که بیشتر در بین نسل جوان از حمایت زیادی برخوردار است سه نسل گذشته روشنفکری را رد می‌کند و بیشتر مایل به گفتگو پذیرش نظرهای مخالف است و این نسل به‌جای بهره‌برداری دوار از غرب به مدرنیته توجه دارد. برخلاف نسل‌های پیشین نظام چندحزبی و پذیرش منطقی غرب در این نسل رواج دارد (رهبری، ۱۳۸۸).

در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی خودآگاهی ایدئولوژیکی سیاسی - اسلامی به‌واسطه عوامل گوناگونی از جمله بسیج سیاسی و عملکرد دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت، به‌عنوان خودآگاهی ناب‌گسترش یافت و خودآگاهی دیگر را تحت الشعاع قرار داد؛ اما از دهه ۱۳۷۰ به بعد به‌واسطه عملکرد عوامل گوناگون خودآگاهی سیاسی - ایدئولوژیک دچار ضعف و گسست شد. از یک سو گذار از پوپولیسم سیاسی دهه ۱۳۶۰ به گفتمان بازسازی و سازندگی در دوران ۷۶-۱۳۶۸ و نهایتاً به گفتمان دموکراسی و جامعه مدنی در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و از سوی دیگر، فرآیندها و فشارهای فزاینده جهانی شدن زمینه تحولاتی را در هویت سیاسی به‌ویژه در نزد نخبگان، روشنفکران و طبقه فعال سیاسی ایجاد کرد. (سروش، ۱۳۹۵).

چارچوب مفهومی که می‌توان در مورد مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد

از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران استفاده کرد، مفهوم «انتقال قدرت»^۱ است. مفهوم انتقال قدرت اصطلاحی است که در علوم سیاسی برای توصیف و تحلیل فرایندهای تغییر قدرت و توزیع آن بین افراد و گروه‌ها استفاده می‌شود. این مفهوم در بررسی رویدادهای سیاسی مهمی مانند انقلاب‌ها و تغییرات نظام‌های سیاسی بسیار مفید است.

در مورد مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران، می‌توان از مفهوم انتقال قدرت بهره برد. با تغییر نظام سیاسی از سلطه مشروطه به نظام جمهوری اسلامی، روابط قدرت و توزیع آن در جامعه تحت تأثیر قرار گرفتند. در این راستا، مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌تواند به بررسی تأثیر این تغییرات بر توسعه سیاسی ایران کمک کند.

با مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل از انقلاب با روشنفکران پس از انقلاب، می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

تغییر در ایدئولوژی و ارزش‌ها: روشنفکران قبل از انقلاب ممکن است ایدئولوژی‌ها و ارزش‌هایی مانند لائیسیت، دموکراسی سکولار و اصول‌گرایی را ترویج می‌کردند، درحالی‌که روشنفکران پس از انقلاب تأکید بیشتری بر اسلام و اصول دینی دارند. این تغییر در ایدئولوژی ممکن است تأثیر زیادی بر راهبردها و نگرش‌های سیاسی آن‌ها داشته باشد. نقش روشنفکران در فرایند تغییرات سیاسی: بررسی نقش روشنفکران در فرایند انقلاب و پس‌از آن می‌تواند روشن‌گر تأثیر و تعامل آن‌ها با سیاستمداران و گروه‌های قدرتمند باشد. آیا روشنفکران قبل از انقلاب مستقل‌تر عمل می‌کردند یا روابط نزدیک‌تری با نخبگان و قدرتمندان داشتند؟ آیا روشنفکران پس از انقلاب توانستند نقش مؤثرتری در توسعه سیاسی ایران ایفا کنند؟

تأثیر راهبردهای روشنفکران در توسعه سیاسی: می‌توان نگرش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب را در جهت‌دهی تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی ایران بررسی کرد. این شامل مسائلی مانند نقش رسانه‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی، فعالیت‌های سیاسی و تحلیل‌های سیاسی روشنفکران است.

به‌طور کلی، با مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب به‌همین ۱۳۵۷، می‌توان به تفهیم عوامل و فرایندهای توسعه سیاسی ایران پیش از و پس از انقلاب اسلامی کمک کرد؛ بنابراین، این مقایسه می‌تواند به شناخت بهتر و جدیدی از نقش روشنفکران در تغییرات سیاسی و توسعه سیاسی ایران منجر شود.

روش پژوهش

روش موردنظر در این پروژه تحلیل محتوا به شیوه استقرایی است در این روش، محقق در عین سهولت روش شناختی با دشواری‌های چون تأثیر بیش از حد اندیشه‌های محقق و تعیین سرنوشت تحقیق بر اساس تصمیم‌گیری‌های شخصی مواجه است ولی محقق بر آن است که شیوه علمی را که به تعبیر ویر مستلزم عینیت‌گرایی و بی‌طرفی ارزشی است در این پژوهش رعایت کند.

هدف این مقاله معرفی گونه شناختی روشنفکران ایرانی در طول تاریخ معاصر ایران، بر اساس مطالعه اسنادی - تاریخی جریان‌های روشنفکری و خوانش گفتمان‌های روشنفکری در ۲۰۰ سال اخیر است. در مطالعه اسنادی - تاریخی، به اسناد دست‌اول مانند روزنامه‌ها و کتاب‌هایی مانند «گذشته چراغ راه آینده» که سند مکتوب حزب توده است، کتاب «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت» نوشته فریدون آدمیت و کتاب تاریخ احزاب سیاسی ایران، به نگارش محمدتقی بهار مراجعه شده است. همچنین، اسناد دست‌دوم نظیر مقالات و کتاب‌هایی که به تحلیل تاریخ تحولات اجتماعی ایران و جریان روشنفکری ایرانی پرداخته‌اند، توسط محقق مورد مذاقه قرار گرفته است. لازم است گفته شود که این پژوهش، مدیون تلاش‌هایی است که قبل از ما درباره زیست جهان، حوزه عمومی و روشنفکران ایرانی صورت گرفته است. در این تحقیق همچنین به کارکرد گفتمان‌های روشنفکری در تحول زیست - جهان سنتی به زیست - جهان مدرن ایرانی، یعنی به فرایند مدرنیته در ایران پرداخته می‌شود.

در حقیقت می‌توان گفت که «تحلیل محتوا، نوعی تکنیک پژوهش برای توصیف عینی منظم کمی محتوای ارتباطات با هدف نهایی تفسیر داده‌ها به شمار می‌رود (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۲۱). به تعبیر ارل بیبی، «نک حائز اهمیت در تحلیل محتوا این است که این روش به پژوهشگر امکان می‌دهد که فرایندهایی را که طی دوره‌هایی زمانی طولانی رخ داده‌اند را بررسی کند» (بیبی، ۱۳۸۱: ۶۶۳). این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و روش انجام آن تحلیل محتوا است.» این روش بر روی داده‌های اطلاعاتی موجود به کار می‌رود و حال آنکه هر روش تحقیق دیگر متضمن جمع‌آوری اطلاعات است» (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۳۰۷).

پژوهشگر در این تحقیق با بهره‌برداری از روش تحلیل محتوا به بررسی منظم تفکرات روشنفکران چهار نسل روشنفکری از عصر مشروطیت تا عصر حاضر پرداخته است. برای انجام این امر خطیر، محقق علاوه بر مطالعه و بررسی آثار مهم و مرتبط روشنفکران و دیگر پژوهشگران معاصر ایران و جهان، برای هر نسل روشنفکری، دو

روشنفکری که نماینده بارز «روح روشنفکری» آن نسل محسوب می‌شود را انتخاب کرده و آثار مهم آن‌ها را به روش تحلیل محتوا مورد کنکاش قرار داده و به تجزیه و تحلیل عناصر فکری، مؤلفه‌ها و زیر مؤلفه‌های اندیشه آنان پرداخته است.

به عبارت دقیق و علمی‌تر، محقق برای هر دوره و نسل روشنفکری، دو روشنفکری را که بیشتر از بقیه روشنفکران هم‌عصر خود، مفاهیم رایج روشنفکری آن نسل را تولید و بازتولید کرده و در آثارشان بکار برده‌اند و همچنین بیشتر از دیگر روشنفکران آن دوره یا نسل روشنفکری، کنشگران اجتماعی و سیاسی عصر خود را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند را برای بررسی و تجزیه و تحلیل آثارشان انتخاب کرده است.

به‌طور مشخص محقق، سه کتاب برتر هر روشنفکر که در سوابق آن‌ها درج شده است با این پیش‌فرض که تعداد کتاب‌ها در چاپ اصلی و بدون سانسور بوده‌اند را برای یافتن پاسخ به سؤالات این پژوهش، به شیوه‌های زیر مورد مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است:

منابع اولیه، کتب نوشته‌شده توسط خود روشنفکران، مانند «مکتوبات کمال الدوله» از میرزا فتحعلی آخوندزاده و «مجموعه آثار میرزا ملکم خان» از میرزا ملکم خان، منابع اولیه برای بررسی آراء و افکار آن‌ها هستند. این کتب ممکن است شامل مقالات، نامه‌ها، اشعار و دیگر نوشته‌های روشنفکران باشند که برای درک عقاید و ایده‌های آنان بسیار مفید و حیاتی هستند. تحلیل تاریخی برخی از کتب مذکور، مانند «تاریخ انقلاب مشروطیت ایران» از تقی زاده و «تاریخ ایران قدیم» از فروغی، به بررسی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی کشور ایران می‌پردازند. این اطلاعات می‌توانند در درک شرایط و عواملی که روشنفکران را تحت تأثیر قرار داده‌اند، مفید باشند.

مباحث فلسفی و اجتماعی برخی از کتب مطرح‌شده، مانند «بازگشت به خویشتن» از شریعتی و «نهاد ناآرام جهان» از سروش، به بحث‌ها و تفکرات فلسفی و اجتماعی مرتبط با روشنفکران می‌پردازند. این کتب می‌توانند در فهم عمیق‌تر از آرمان‌ها، ایده‌ها و نظریات آنان به‌خصوص در زمینه‌هایی مانند اسلام‌شناسی، قدرت و تعامل اجتماعی مؤثر باشند. آثار پژوهشی و تحقیقاتی؛ کتبی همچون «آسیا در برابر غرب» از شایگان و «جنون هشیاری» از ایو بونفوا، می‌توانند به تحقیقات و پژوهش‌های علمی در زمینه‌های مرتبط با روشنفکران و جامعه‌شناسی کمک کنند. این کتب ممکن است به تحلیل و تبیین تفکرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و نقش روشنفکران در آن‌ها بپردازند.

جدول ۱. نمونه کتاب‌های روشنفکران مورد تفسیر

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب
۱	میرزا فتحعلی آخوندزاده	مکتوبات کمال الدوله ^۱
		مقالات ^۲
		مقالات فلسفی ^۳
۲	میرزا ملکم خان	مجموعه آثار میرزا ملکم خان
		کتاب نامه‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله
		کتاب مقاله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله
۳	تقی زاده	اخذ تمدن خارجی ^۴
		از پرویز تا چنگیز ^۵
		تاریخ انقلاب مشروطیت ایران
۴	فروغی	تاریخ ایران قدیم
		حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دول
		اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک
۵	بازرگان	آتیه صنعت ایران، سال ۱۳۲۸ ش.
		ارزیابی دستاوردهای چهارساله انقلاب اسلامی ایران، سال ۱۳۶۱ ش.
		تداوم و تحول انقلاب، سال ۱۳۶۲ ش.
۶	شریعتی	بازگشت به خویشتن
		بازشناسی هویت ایرانی اسلامی
		اسلام‌شناسی ^۶
۷	سروش	نهاد ناآرام جهان
		قبض و بسط تئوریک شریعت
		سنت و سکولاریسم ^۷

۱. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (به اهتمام علی اصغر حقدار)

۲. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (به کوشش باقر مؤمنی)

۳. (میرزا فتحعلی آخوندزاده) (ویراسته ح صدیقی)

۴. (تساهل و تسامح، آزادی وطن، ملت)

۵. (استیلای عرب تا ایلباغ مغول در ایران)

۶. (سخنرانی‌های دانشگاه مشهد)

۷. (به همراه مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، محسن کدیور)

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران

ردیف	نام نویسنده	نام کتاب
۸	شایگان	آسیا در برابر غرب
		بت‌های ذهنی و خاطره‌های ازلی، انتشارات امیرکبیر
		جنون هشیاری (ترجمه)، نوشته ایو بونفوا، مؤسسه فرهنگی پژوهشی نشر نظر، ۱۳۹۴

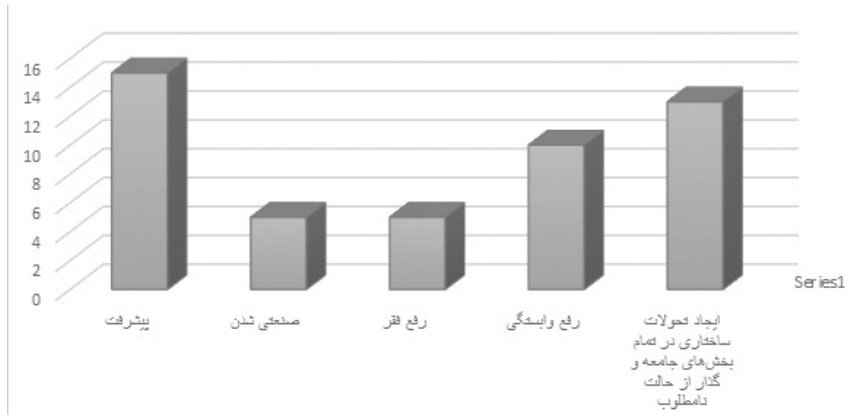
تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا فتحعلی آخوندزاده

واحد تحلیل

جدول ۲. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا فتحعلی آخوندزاده

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
شاخص‌های توسعه سیاسی	پیشرفت	میراث عصر روشنگری اعتقادی، آزادی، نظام سیاسی دموکراتیک، آزادی روحانی، فنون و اقتدار دولتی، «انتقاد آزاد علمی»، عصر روشنگری، قانونمندی، سعهدر، «قرارداد اجتماعی»، اقتدار ملی، آزادی‌خواهی، حریت روحانی، حقوق بشریت، آزادی فکر و بیان	۱۵
	صنعتی شدن	حاکمیت خرد و عقل، اعتقادات بر اصل علم، لیبرالیسم انگلیسی، جدایی سیاست از دین، ملت ایران نیز به قافله ترقی پیوندد	۵
	رفع فقر	آزادی جسمانی، ترقی، حقوق اجتماعی طبیعی، مکتب‌های مختلف اروپایی، غیرت و ناموس	۵
	رفع وابستگی	ایده جامعه مدنی، اراده ملت، «حاکمیت ملت»، «تسامح و مدارا»، تسامح مذهبی، وطن‌دوستی، حراست کشور از تسلط بیگانگان، حراست وطن، تسلط بیگانه، رد ذلتی	۱۰
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	مشروطه، «آزادی بیان»، آسایش ملتی، شرط مدنیت، تغییر سلطنت مطلقه استبدادی، اصلاح‌طلبی، لیبرالیست (لیبرالیسم قرن نوزدهم)، ناسیونالیسم جدید ایران، آمیزه‌ای از حکومت پادشاهی و دموکراسی، جمهوریت «افلاطون»، سیاست «ارسطو»، بهشت ایران قبل از اسلام	۱۳



نمودار ۱. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر میرزا فتحعلی آخوندزاده با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص شده است که از منظر میرزا فتحعلی آخوندزاده ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود است که میرزا فتحعلی آخوندزاده به آن اشاره کرده است.

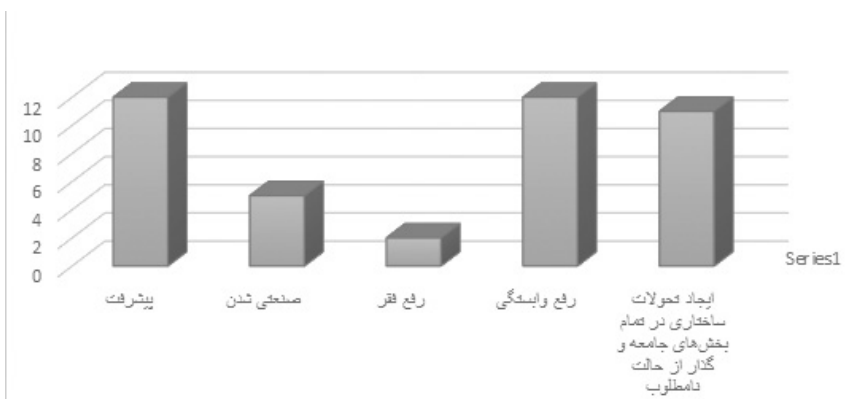
تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان

واحد تحلیل

جدول ۳. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی میرزا ملکم خان

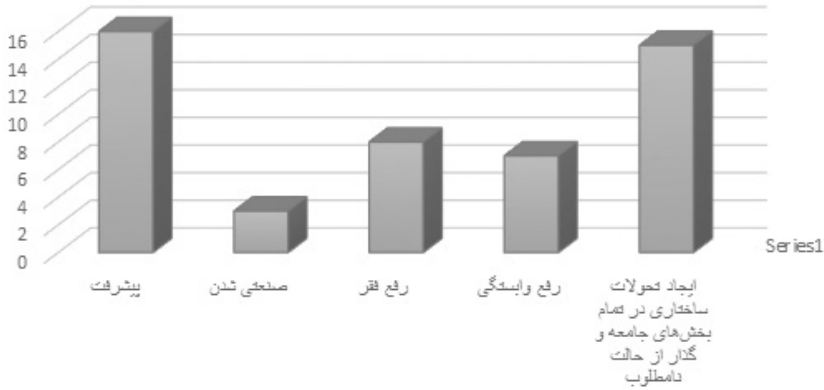
فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۱۲	تفکر سیاسی، مشروطیت دولت، اعتقاد به قانون‌گذاری، شناخت حقوق فردی، آثار فلاسفه اروپا، تغییر سیاست، اصلاح دستگاه دیوان، سیاست غربی، سرمشق گرفتن از غرب، اصلاح اصول سیاست، «اداره قانونی». تفکیک قوا	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۵	تجارب عملی، علم، مبنای علمی و عقلی، تلگراف و کشتی بخار، علم هندسه	صنعتی شدن	
۲	مسلک لیبرالیسم، اجتهاد عقل بشری	رفع فقر	

مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی	کدهای باز	فراوانی کدها
توسعه سیاسی	رفع وابستگی	موجودیت دولت، علم، مشرق زمینیان هیچ‌گاه «سیستم سیاست» خلق نکردند، نظم لشکر، نظم مالیات، ضمانت حقوق، پیشرفت پولیتیک، رونق تجارت، قانون مالیه، تأسیس بانک، قانون تعلیمات عمومی و دیوان عدلیه.	۱۲
	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	فلسفه عقلی و تحقیقی، حکومت «منظم قانونی»، قرآن علم حقوق، مباحثات پارلمانی، «نقص ترکیب دولت»، مقتضیات زمانه، نظم صحیح، «اختیار وضع قانون»، اختیار اجرای قانون، «قوانین ارکانی»، قواعد مشورت	۱۱



نمودار ۲. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر میرزا ملکم خان

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر میرزا ملکم خان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت، رفع وابستگی و ایجاد تحولات ساختاری با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که میرزا ملکم خان به آن اشاره کرده است.



نمودار ۳. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر تقی‌زاده

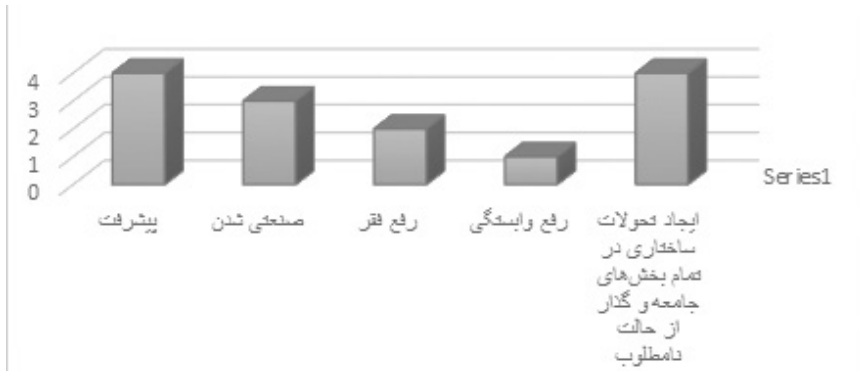
تحلیل اندیشه‌های سیاسی محمدعلی فروغی

واحد تحلیل:

جدول ۴. کدگذاری محتوای تحلیل

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۴	اصلاح جامعه، دولت، جمهوری، جماعت ناظر بر اعمال دولت و کلاء و نمایندگان ملت باشند	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۳	علم جویی، تأسیس دانشگاه، واردات صنعت	صنعتی شدن	
۲	شناسایی دردها و مشکلات، سلطنت از آن ملت است	رفیع فقر	
۱	بازگشت عظمت و شکوه گذشته	رفیع وابستگی	
۴	نگاه هنجاری، عدم وجود قدرت در دست یک گروه، مقید به قید قانون، نمایندگی، متناسب با نیاز و فرهنگ جامعه	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران



نمودار ۴. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر محمدعلی فروغی

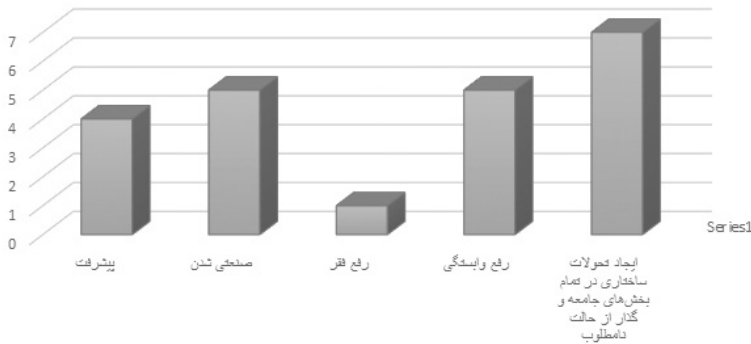
با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر محمدعلی فروغی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین صنعتی شدن و رفع فقر و رفیع وابستگی در پایین‌ترین شاخص‌های موجود است که محمدعلی فروغی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی بازرگان

واحد تحلیل:

جدول ۵. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه سیاسی بازرگان

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۴	حکومت دموکراسی مبتنی بر دین، حکومت دموکراسی مبتنی بر قانون اساسی، روحیه دموکراتیک، آزادی، دموکراسی	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۵	تحصیلات علمی و تجربی، همکاری و اتفاق، کار، استقلال و نفی تقلید، ترویج اخلاقیات و توسعه صنعتی و فنون مهندسی	صنعتی شدن	
۱	عدالت	رفع فقر	
۵	کارکردهای مثبت دین، همزیستی دین با دستاوردهای مدرن جامعه، عدم وابستگی کشور و سیاستمداران به بیگانگان، رابطه دین و علم، استقلال‌طلبی	رفع وابستگی	
۷	تحولات سیاسی اجتماعی، حاکمیت فرهنگ فلاحتی و استبداد پرور، باورهای اجتماعی نادرست، جدایی علم و دین، اقدامات اصلاحی سطحی و تقلیدی، حاکمیت استبداد، تغییرات نظام سیاسی	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۵. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر بازرگان

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر میرزا بازرگان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده ایجاد تحولات با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و رفیع وابستگی و صنعتی شدن در رده‌های بعدی است، پیشرفت در رتبه چهارم و رفیع فقر در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که بازرگان به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی شریعتی

واحد تحلیل:

جدول ۶. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی شریعتی

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۶	رشد و آگاهی لازم، ارزش و اهمیت نظر مردم، قوانین اجتماعی و فردی، دموکراسی، از بین بردن خرافات، سنت‌های پوسیده از بین برود.	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	تحصیل علوم، فنی شدن	صنعتی شدن	
۲	عدالت اجتماعی، کم شدن فاصله طبقاتی	رفیع فقر	
۳	در اسلام کسی میان خدا و مردم واسطه نیست، عوض کردن طرز فکر، رهبری	رفیع وابستگی	
۵	نظام امت و امامت، عدم در نظر گرفتن روحانیت به‌جای خداوند، استبداد ستیزی، دوران حکومت امت و امامت به پایان رسیده، حکومت مذهبی هم در اسلام جایگاهی ندارد.	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۶. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر شریعتی

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر شریعتی ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که شریعتی به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی سروش

واحد تحلیل:

جدول ۷. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی سروش

فراوانی کدها	کدهای باز	مؤلفه‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۵	حکومت‌های لیبرال، دموکراسی، آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	واردات صنعت، فناوری‌های روز دنیا	صنعتی شدن	
۴	عدالت، آزادی از زندان، آزادی از شر بیگانگان، آزادی از شر سلطان،	رفع فقر	
۲	آزادی به‌مثابه روش، بندگی خداوند	رفع وابستگی	
۳	مردم‌شناسی، اخلاق، عملکرد بد کلیسا، مدعیان نمایندگی خدا	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۷. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر سروش

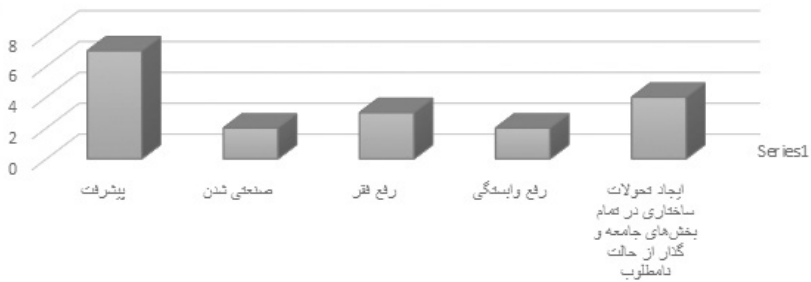
با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر سروش ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به‌دست‌آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و رفع فقر در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر در رتبه سوم و صنعتی شدن و رفع وابستگی در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که سروش به آن اشاره کرده است.

تحلیل اندیشه‌های سیاسی شایگان

واحد تحلیل:

جدول ۸. کدگذاری محتوای تحلیل اندیشه‌های سیاسی شایگان

فراوانی کدها	کدهای باز	تم‌های فرعی	مؤلفه اصلی
۷	مدرنیته، دموکراسی، حقوق بشر، سکولاریسم، مدنیت، تفکیک قوا، اقتصاد لیبرال	پیشرفت	شاخص‌های توسعه سیاسی
۲	صنعت زایی، تولیدکننده شدن	صنعتی شدن	
۳	عدالت اجتماعی، عدم سلطنت، عدم فاصله طبقاتی	رفع فقر	
۲	عدم فرهنگ بیرونی، استفاده از تاریخچه علمی تمدن ایران	رفع وابستگی	
۴	قواعد مدرن، ساختارهای منظم، حوزه خصوصی زندگی انتخاب باید آزادانه باشد، گفتار جهانی	ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب	



نمودار ۸. فراوانی کدهای باز در تحلیل شاخصه‌های توسعه سیاسی از منظر شایگان

با توجه به داده‌های به دست آمده از جدول فوق مشخص گردیده است که از منظر شایگان ۵ شاخص توسعه سیاسی وجود داشته که با توجه به کدهای باز و فراوانی‌های به دست آمده پیشرفت با بالاترین فراوانی در رتبه نخست و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب در رتبه دوم قرار دارد و همچنین رفع فقر و صنعتی شدن در پایین‌ترین شاخص‌های موجود می‌باشد که شایگان به آن اشاره کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مسئله توسعه سیاسی یکی از محوری‌ترین مباحث موجود در حوزه علوم انسانی و اجتماعی تلقی می‌شود که ارتباط تنگاتنگی با طبقه نخبگان فکری و روشنفکران در جامعه دارد. در دوران معاصر، توسعه سیاسی یکی از موضوعات مهم در پیشبرد اهداف یک جامعه محسوب می‌شد که روشنفکران و نخبگان موجود در جامعه نسبت به آن در دو نگاه درون‌زا و برون‌زا به نظریه‌پردازی پرداختند که هرکدام برحسب ریشه‌های فکری و سیاسی خود روند متفاوتی را ارائه دادند. اصولاً الگوهای توسعه سیاسی در دوره‌های مختلف با پیچیدگی‌های خاصی با توجه به تنوع نظرات روبرو شده است و در باب برنامه‌های توسعه سیاسی دچار نوعی دوگانگی در این موضوعات گشته است که می‌توان از آن به عنوان عدم اجماع نخبگان حاکم و نخبگان فکری و روشنفکران اشاره کرد. در واقع عدم اجماع بر سر مفاهیم و موضوعات اساسی همچون توسعه سیاسی در ایران معاصر نشان‌دهنده نوعی شکاف بین قشر حاکم و قشر روشنفکر و نخبه است که چالش‌هایی را در باب موضوع توسعه سیاسی به بار آورده است. توسعه سیاسی از دید نخبگان و اندیشمندان ایران معاصر در قالب الگوها و جریان‌های سیاسی، با شکل‌گیری و حاکم شدن نظریات دینی نسبت به موضوع

توسعه سیاسی شکل و رویکردهای اندیشه‌ای جدیدی را فراهم آورد که هر کدام از نظریات اندیشمندان و نخبگان سمت‌وسوی متفاوتی را به خود گرفت.

از استنتاج داده‌های این پژوهش که به شیوه تحلیل محتوا به دست آمده است، مشخص می‌شود که توسعه در نگاه درون‌زا که در پی بومی‌سازی توسعه و تکیه بر نظریات و نصوص دینی بود، در قالب دو جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی و اسلام‌گرایی انتقادی تعریف می‌شود که جریان روشنفکری اسلام‌گرایی بومی نظریات شریعتی را در برمی‌گیرد که با تکیه بر آیات قرآن و نظریات اسلام درباره عدالت و آزادی در جامعه همراه با بهره‌گیری از نظریات اگزیستانسیالیسمی^۱، در پی تأسیس جامعه متدین و عادل بود که امور سیاسی را بر دوش رهبری جامعه یعنی «امام»، (که مردی عادل و آگاه است) می‌گذارد. این رویکرد، جریان غالب و حاکم در بعد از انقلاب اسلامی ایران است.

در رویکرد دیگر که به نظریات اسلام‌گرایی انتقادی مشهور است، نظریات شایگان را در برمی‌گیرد که در پی نگاه علمی‌تر به توسعه سیاسی در قالب اندیشه‌های دینی و اسلامی است که با نگاه انتقادی به اوضاع و احوال جامعه، در پی ایجاد نگرش اصیل‌تری به توسعه در قالب اندیشه‌های اسلامی است. او که به دنبال سازگاری اندیشه‌های غربی با نظریات اسلام‌گرایی است، به دنبال استقلال سیاسی و فرهنگی جامعه است که راه پیشرفت و توسعه سیاسی را هموار کند.

در رویکرد دیگر به توسعه سیاسی که به نگاه برون‌زا معروف است، یک نگاه تجددگرایانه و توجه به اندیشه‌های غربی دارد و مدرن شدن و راهیابی به توسعه سیاسی به روش آنان است که نظریات روشنفکران دوره مشروطه و در رویکرد اقتصادی نظریه تقی‌زاده و محمدعلی فروغی را در برمی‌گیرد.

نظریه فروغی که در نگاه برون‌زا مطرح شده است، مربوط به نظریه مدنی شدن سیاست و توجه به فرهنگ جامعه مدنی است. این نظریه که با نگاه جامعه‌شناسی سیاسی به آن پرداخته شده است، موانع توسعه سیاسی را بررسی می‌کند و نقش آزادی‌های سیاسی، احزاب، مطبوعات و رقابت‌گروه‌ها در جامعه مدنی را از عوامل مهم توسعه سیاسی می‌داند که با نگرش به روندهای توسعه در غرب و الهام از نظریات غربی به دنبال تغییر ساختاری در جامعه ایران است.

در رویکرد نظری تقی‌زاده، یک نگاه اقتصادی نیز به توسعه سیاسی مطرح است که به نوعی یک نگاه بینابین به توسعه از جهت درون‌زا و برون‌زا بودن دارد که نظریات

تقی‌زاده را شامل می‌شود. او که با تحلیل‌های اقتصادی و فرهنگی در پی نهادمندی و بازسازی ساختارهای اقتصادی در ایران است، با نگاه علم‌گرایانه و انسان‌گرایانه در پی صنعتی‌سازی و ترویج فرهنگ سیاسی مدرن در ایران است.

در نظریات سروش که بیشتر نگرش اندیشه‌ای به توسعه سیاسی مطرح است، به دنبال شناخت فرهنگ‌ها و سنت‌های موجود است و علت عقب‌ماندگی جامعه ایرانی را در عدم شناخت فرهنگ و سنت خویش می‌داند که نسبت به وضعیت خود ناآگاه است و راه برون‌رفت از این وضعیت را در استفاده از دستگاه اندیشه‌ای فرهنگ غرب می‌داند. با توجه به یافته‌های این پژوهش، محقق به این نتیجه‌گیری رهنمون می‌شود که در بعد از انقلاب اسلامی ایران که رویکرد اسلام‌گرایی حاکمیت پیدا کرد، نظریات توسعه سیاسی که در بین نخبگان مطرح شد، در حول محور نگاه حاکم ادامه پیدا کرد؛ چراکه بسیاری از اندیشه‌هایی که به‌خصوص در قالب الگوهای برون‌زا مطرح شدند، چون نگاه‌های منتقدانه و جدلی نسبت به ساختارهای حکومت ایران داشتند، حذف یا در حاشیه قرار گرفتند.

البته موضوعی که در اینجا اهمیت دارد تأثیر فرهنگ غرب بر اندیشه‌های سیاسی در ایران است که می‌توان حتی در رویکردهای درون‌زا نیز این تأثیر از جانب غرب را مشاهده کرد؛ بنابراین می‌توان گفت که در رویکردهای برون‌زا به توسعه، نهایت اندیشه برون‌گرا در باب توسعه سیاسی در آراء این افراد مطرح است و جریان‌ها و اندیشه‌های تندرو و ساختارشکنانه در حاشیه به روند خود ادامه می‌دهند.

میرزا فتحعلی آخوندزاده در زمان مشروطیت به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه میرزا فتحعلی آخوندزاده آزادی فکر و بیان و حاکمیت خرد و عقل و ایده جامعه مدنی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

میرزا ملکم خان نیز در زمان مشروطیت به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه میرزا ملکم خان تفکر سیاسی، اصلاح اصول سیاست و علم و بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

تقی‌زاده هم در زمان پهلوی اول به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه تقی‌زاده علم‌گرایی و توجه خاص به علوم فرنگی (تجربی - انسانی و مکتب تکامل‌گرایی)، روش‌های تجربی، اصلاحات ارضی و بهره‌گیری ابزاری از دین در جهت تسهیل اخذ تمدن غرب و همچنین تشریفاتی بودن مقام سلطنت، تصویب قانون عدلیه توسط نمایندگان (نه روحانیت)، ضعف صنعت و تجارت و قناعت‌ورزی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

محمدعلی فروغی نیز در زمان پهلوی اول به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را عاملی مهم در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه محمدعلی فروغی علم‌جویی، اصلاح جامعه و بازگشت عظمت و شکوه تاریخ باستانی ایران و نمایندگی در مجلس از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

بازرگان در زمان پهلوی دوم به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی و صنعتی شدن در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه بازرگان حکومت دموکراسی مبتنی بر دین، آزادی، دموکراسی، عدالت، باورهای اجتماعی درست و تغییرات نظام سیاسی در مجلس از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. شریعتی در زمان پهلوی دوم به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و همچنین رفع وابستگی در جهت توسعه سیاسی دانسته است؛ و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه شریعتی رشد و آگاهی لازم، فنی شدن، عدالت اجتماعی و عدم وابستگی و پالایش دینی از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

سروش در زمان بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و رفع فقر و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب

را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر گشته‌ایم که از دیدگاه سروش آزادی سیاسی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان و عقیده، مردم‌شناسی و اخلاق از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است. شایگان در زمان بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان یک روشنفکر مؤلفه پیشرفت و ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب را مهم‌ترین عامل در توسعه سیاسی شناخته و در کشف کدهای باز در تحلیل محتوا متوجه این امر شده‌ایم که از دیدگاه شایگان، مدرنیته، اقتصاد لیبرال، عدم سلطنت، عدم فرهنگ بیرونی و قواعد مدرن از مهم‌ترین عوامل دخیل در توسعه سیاسی بوده است.

منابع و مأخذ

- آبراهامیان، پرواندا (۱۳۹۴). ایران بین دو انقلاب. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطه در ایران. تهران: نشر سخن.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۳). اندیشه‌های طالبوف تبریزی. تهران: دماوند.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۹۲). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰. تهران: سمت.
- باتامور، توماس برتون (۱۳۷۷). نخبگان و جامعه. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر شیرازه.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۴). آیا اسلام یک خطر جهانی است؟ تهران: قلم.
- بی، ارل (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه دکتر رضا فاضل، تهران: نشر سمت.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷). روشنفکران ایرانی و غرب. ترجمه جمشید شیرازی، تهران: نشر فرزاد.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۰). درس‌های دموکراسی برای همه. تهران: نشر نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). عقل در سیاست. تهران: نگاه معاصر.
- بیگدلو، رضا (۱۳۹۰). باستان‌گرایی در تاریخ ایران. تهران: بینا.
- پدرام، مسعود (۱۳۹۳). روشنفکری دینی و مدرنیته: در ایران پس از انقلاب. تهران: گام نو.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). جامعه امن در گفتمان خاتمی. تهران: نشر نی.
- جعفری، افشین و قاسمی، زهرا (۱۳۹۹). تأثیر رابطه نخبگان سیاسی حاکم و روشنفکران بر توسعه فرهنگ سیاسی پس از انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۴ (۵۲)، ۲۴۴-۲۵۵. کد. doi: ۲۰/۱۰۰۱/۲۰۰۸۳۷۷/۷/۱۳۹۹/۱۴/۵۲/۱۲/۲
- جهانگلو، رامین (۱۳۹۶). موج چهارم. تهران: نشر نی.
- دلانتی، جرالده (۱۳۹۶). دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رضوی، مسعود (۱۳۷۹). روشنفکران، احزاب و منافع ملی. تهران: نشر فروزان روز.
- رهبری، مهدی (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران. بابلسر: دانشگاه مازندران.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). روش تحقیق در علوم اجتماعی. جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقایسه نقش و راهبردهای روشنفکران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در توسعه سیاسی ایران

سروش، عبدالکریم (۱۳۹۶). مدیریت و مدارا. تهران: صراط.

سریع القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران. تهران: نشر فرزاد.

سعید، ادوارد (۱۳۸۰). نقش روشنفکر. ترجمه: حمید عضدانلو، تهران: نشر نی.

سعید، ادوارد (۱۳۸۸). نشانه‌های روشنفکری. ترجمه: محمد افتخاری، تهران: نشر آگه.

سوئل، توماس (۱۴۰۱). روشنفکران و جامعه. ترجمه: شایان صولتی و شروین صولتی، تهران: انتشارات گوتنبرگ.

صدری، احمد (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی روشنفکران. ترجمه: حسن آبنیکی، تهران: انتشارات کویر.

عنایت، حمید (۱۳۸۱). اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات خوارزمی.

میرلطفی، پرویز رضا و جهانتیغ، محسن (۱۴۰۱). نقش جریان روشنفکری در توسعه سیاسی. پنجمین کنفرانس

بین‌المللی و ششمین کنفرانس ملی حقوق و علوم سیاسی، تهران،

1625894 <https://civilica.com/doc/>

Huntington, Samuel. (1965). Political Develop and Political Decay, world political, xvii.

Weber, Max. "Politics as a Vacation", In from Max Weber, edited by H.H. Gerth and C. Wright Mills. New York: Oxford University Press, 1958.